

تقلای کارتر در پنجه عقاب



«سرش را میان دو دستش گرفت و مدت چند ثانیه روی میز گذاشت. دلم فوق‌العاده برای او سوخت، همین‌طور برای کشورم.» این حالتی است که برژینسکی از رییس‌جمهور کارتر توصیف می‌کند، درست بعد از شنیدن خبر شکست نیروهای دلتا در عملیات پنجه عقاب.

«سرش را میان دو دستش گرفت و مدت چند ثانیه روی میز گذاشت. دلم فوق‌العاده برای او سوخت، همین‌طور برای کشورم.» این حالتی است که برژینسکی از رییس‌جمهور کارتر توصیف می‌کند، درست بعد از شنیدن خبر شکست نیروهای دلتا در عملیات پنجه عقاب.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ساعت 18 پنج شنبه 4 اردیبهشت 1359، 8 فروند هلی‌کوپتر اس‌اچ 53 از ناو یواس‌اس نیمیتز به سمت صحرای طبس حرکت کردند. همزمان شش فروند هواپیمای سی‌130 از پایگاه هوایی مصیره عمان همین مقصد را در پیش گرفتند. نزدیک به شش ماه از تسخیر لانه جاسوسی و دستگیری آمریکایی‌ها توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) می‌گذشت. تلاش آمریکایی‌ها برای بازگرداندن گروگان‌ها بی‌نتیجه مانده بود و دو هفته‌ای می‌شد که ایالات متحده با بلوکه کردن اموال ایران به طور یکجانبه روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع و فروش هرگونه سلاح را _حتی محموله‌های نظامی دولت پیشین که بهای آن پرداخت شده بود_ به ایران ممنوع کرده بود. کارتر توسط جمهوری‌خواهان و افکار عمومی آمریکا تحت فشار شدیدی برای آزادی گروگان‌ها قرار داشت و سرانجام در 16 آوریل 1980 (27 فروردین 1359) دستور انجام عملیات پنجه عقاب را صادر کرد. هدف از این عملیات آزادی گروگان‌های زندانی در لانه جاسوسی بود. شش ماهی می‌شد که نیروهای ویژه دلتا به فرماندهی سرهنگ چارلی بکویت در صحرای آریزونا ه‌ف‌دگاه کا، هلن، شمال، عملیات پنجه عقاب را تمام کردند.

آمریکایی‌ها حساب همه چیز را کرده بودند. قرار بود ابتدا هلی‌کوپترها و هواپیماهای آنها در فرودگاه متروکه‌ای در صحرای طبس فرود بیایند و پس از سوخت‌گیری، کماندوهای آمریکایی با هلیکوپتر به نزدیکی تهران (تپه‌های گرمسار) منتقل شوند. یک شب در مکانی امن مخفیانه استراحت کنند و فردای آن روز به وسیله کامیون‌هایی که پیش از این توسط عوامل آمریکایی حاضر در تهران تهیه شده بود به سفارت سابق آمریکا و ساختمان وزارت خارجه حمله و گروگان‌ها را آزاد کنند. حمله به وزارت خارجه و آزادی سه گروگان حاضر در آنجا به عهده تیم ضربت 13 نفره آلمانی بود. از طرفی همزمان با این عملیات، کماندوهای آمریکایی در فرودگاه منظره (در جاده قم-تهران) فرود می‌آمدند و با تسخیر این فرودگاه راه را برای دو فروند هواپیمای سی‌141 باز می‌کردند تا پس از این‌که عملیات نجات گروگان‌ها انجام شد نیروهای دلتا با هلیکوپترهایی که شب را در استادیوم امجدیه (شهید شیرودی) گذرانده بودند به فرودگاه منظره منتقل و با باقی گذاشتن هلی‌کوپترها در فرودگاه، سوار بر این دو هواپیما شوند و به سوی پایگاهی در عربستان حرکت کنند. این عملیات با حضور 120 نیرو از کماندوهای آمریکایی و راننده گرفته تا مترجم و افسران فراری ایرانی انجام می‌شد. همگی با شلوار لی، کت مشکی، پوتین، کلاه سورمه‌ای و بدون درجه. اما اتفاقات شامگاه 5 اردیبهشت 59 همه محاسبات آمریکایی‌ها را به هم زد. ساعت 22 هواپیماها در طبس فرود آمدند اما هلیکوپترها دیرتر از موعد مقرر به مقصد رسیدند. به قول یکی از خلبان‌ها «از جهنم گذشته بودند» هرچند هنوز تا جهنم اصلی فاصله داشتند. یکی از هلی‌کوپترها در 120 کیلومتری راور کرمان دچار نقص فنی شد و از کار افتاد و هلیکوپتر دیگری برای کمک به آن مجبور شد بازگردد. بدین ترتیب تنها شش هلی‌کوپتر توانستند در طبس فرود بیایند. طبق محاسبات برای انجام عملیات شش هلیکوپتر هم کافی بود. طوفان شن آن هم در یک شب مهتابی که امکان طوفان بسیار کم است عجیب به نظر می‌رسید. بر اثر طوفان، دستگاه هیدرولیک یکی دیگر از هلیکوپترها از کار افتاد. امکان به سرانجام رسیدن عملیات با کم‌تر از 6 هلی‌کوپتر وجود نداشت. فرمانده چارلی کلافه شده بود. ستاد فرماندهی از مصر درخواست ادامه عملیات را داشت اما سرهنگ چارلی بکویت به آنها می‌گفت که از جهنم طبس خبر ندارند. خبر به سرعت به کاخ سفید رسید و کارتر برای جلوگیری از افتضاح بیشتر دسته، بازگشت همه ندها را صادر کرد.

قرار شد هلیکوپترها رها شوند و نیروها با هواپیما عقب‌نشینی کنند. در طوفان و گرد و غبار انفجار مهیبی نیروها را شوکه کرد. یک هلی‌کوپتر با هواپیمای گول‌بیکر سی‌130 سوخت‌رسان برخورد کرده بود و هر دو منفجر شده بودند. هشت آمریکایی در جهنم کویر می‌سوختند. این اتفاق باعث ایجاد هرج و مرج در نیروهایی شد که حدود شش ماه در صحرای آریزونا تمرین کرده بودند و برای انجام چنین عملیاتی کاملاً آماده به نظر می‌رسیدند. اما تنها برخاستن یک طوفان شن و آتش گرفتن هلی‌کوپتر و هواپیما باعث شد تا در آن شب جهنمی هرکس به سمتی بدود و بی هدف شلیک کند. آمریکایی‌ها با عجله و در حالی که مدارک زیادی در پنج هلی‌کوپتر باقیمانده جا گذاشته بودند سوار بر هواپیماها شدند و به پایگاه خود در عربستان بازگشتند. فرمانده چارلی در مسیر بازگشت می‌گریست. قرار بود او و نیروهایش به قهرمان ملی تبدیل شوند اما حالا بدون آنکه حتی با دشمن روبرو شوند، یک شکست‌خورده محض بودند.

صبح فردا کارتر خبر شکست عملیات پنجه عقاب، کشته شدن هشت نیروی ویژه و جاماندن جنازه‌ها و اسناد طبقه‌بندی شده در هلیکوپترها را اعلام کرد. با اعلام این خبر به دستور بنی صدر دو فانتوم ایرانی هلیکوپترهای به جا مانده را به بهانه آن که

آمریکایی‌های جامانده فرصت مجدد استفاده از آنها را به دست نیاورند، بمباران کردند. مقدار زیادی از اسناد از بین رفت و فرمانده سپاه یزد (محمد منتظر قائم) که برای سرکشی در محل حاضر شده بود به شهادت رسید. مایلز کاپلند از افسران سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا بعدها گفت که هدف از تهاجم طبس تنها آزادی گروگان‌ها نبود بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است. پس از شکست آمریکایی‌ها در عملیات پنجه عقاب آنها کمتر از دو ماه بعد در مقدمات کودتای نوژه نقش داشتند که این کودتا نیز خنثی شد و آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که بهتر است با مذاکره به حل مسئله گروگان‌ها بپردازند. در 29 دی 1359 پس از مذاکره بین نمایندگان ایران و آمریکا در الجزایر، بیانیه الجزایر مبنی بر آزادی گروگان‌ها، عدم مداخله آمریکا در امور داخلی ایران و لغو مجازات‌های تجاری و آزادی دارایی‌های مسدودشده ایران صادر شد تا گروگان‌های آمریکایی پس از 444 روز آزاد شوند. اما این اتفاقات شکست بزرگی برای دولت کارتر بود و همین موضوع باعث شد تا کارتر دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری از ریگان جمهوری‌خواه شکست بخورد و نتواند بشماره 4 سال، در کاخ سفید حوضه داشته باشد به نفع، گفتا، منحلای عملیات نامه‌فقه، نحه عقاب شمد. حادثه طبس

پس از این افتضاح نظامی آمریکایی‌ها برخلاف بیانیه الجزایر از دخالت در امور ایران دست برنداشتند و در مقاطع مختلف این عدم پایبندی به عهدشان را نشان دادند. از حمایت عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران گرفته تا حمله به ناوهای ایرانی در خلیج فارس در طول جنگ. آنها در سال پایانی دفاع مقدس با حمله به هواپیمای ایرباس مسافری ایران بار دیگر دشمنی خود را ثابت کردند. در سال 1365 نیز با حضور مک فارلین و تیم همراهش در ایران که به ماجرای مک‌فارلین معروف شد، بار دیگر ایالات متحده در مقابل جمهوری اسلامی شکستی دیپلماتیک را تجربه کرد.

امروز هم اعمال تحریم‌های یک‌طرفه و ظالمانه از سوی آمریکا نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها همچنان دست از دشمنی با ایران بر نداشته‌اند. در مذاکرات اخیر هسته‌ای رییس جمهور آمریکا بارها از وجود گزینه‌های مختلف روی میز از جمله حمله نظامی صحبت کرده است. اما یادآوری تاریخ به اوباما و سرنوشت کارتر می‌تواند راهکار خوبی برای کنار گذاشتن برخی گزینه‌ها از روی میز و پایبند بودن آمریکا به تعهدات صورت گرفته در توافقات باشد تا شاید در سال‌های آینده وقتی یکی از مشاوران کاخ سفید خاطرات خود را می‌نویسد شاهد چنین جملاتی نباشیم: «ساعت 5:15 دقیقه بود که کارتر خبر دیگری مبنی بر برخورد یک هلیکوپتر با یک هواپیمای سی 130 و آتش گرفتن آنها را از ژنرال جونز دریافت کرد. این برخورد همراه با تلفات جانی بود. کارتر با شنیدن این خبر مانند ما، زخمی، به خمد سجد ه آتا، دده نگان، در تمام، صهت اه آشکا، شد.» حادثه طبس